

* خلاصه سخنرانی حجت الاسلام انجوی نژاد :

✓ متوسطه دوم شهدای رهپویان وصال

✓ موضوع : دینداری و جامعه

✓ جلسه اول

✓ تاریخ : ۹۶/۷/۲۹

یک معضل بزرگ که الان داریم ، اینه که گمان برخی از مردم این است که دین و اخلاق دینی سودی برای جامعه نداره ، میگن جامعه را بگذارید ، جامعه شناسان و سیاستمداران بچرخانند و دین را ببرید در محوطه ی شخصی افراد . اگر چیزی هست ، به خودم مربوطه ، به جامعه ارتباطی نداره .

می خواهیم بررسی کنیم ، دلیل این بحث چیه ؟

نکته اول : در احکام دین ۴ بخش داریم ، مهمترینش واجبات دینی است و از طرف نهی مهمترین بخش محرمات ، بعد فضایل که مستحبات است و بعد مکروهات که ، یک بخش کاملاً شخصی است. مثلاً اگر صبح نان و پنیر بخورید مکروهه ، چرا ؟ چون پنیر برای هضم به فسفر نیاز دارد و بدن این را از مغز می گیرد و باعث کاهش حافظه می شود ، برای همین باید با گردو یا پونه بخورید ، چون فسفر دارد . خب این را شما بخورید یا نخورید ، مسأله ی شخصی شماست . کسی نمی تونه به شما ایراد بگیره ، شاید شما دوست داشته باشی اینطوری بخوری، حافظه ات کم بشه.

یا مثلاً در محرمات می گیم سرکشی کردن در محیط خصوصی افراد برای یافتن محرمات حرامه . مثلاً شما بری در محیط خصوصی افراد که به خودش مربوطه بهش بگی چرا این کار را کردی حرامه ! به این میگن تجسس . بنابراین اینجا هم دین شخصیه شاید یکی دوست داره بره جهنم . اینها را بعضی باهم قاطی می کنند .

یک مثال بزنم شما در خانه خودتون اگر روی قالی چایی بریزید ، کسی نمی تونه شما را بازداشت کنه بگه چرا قالی را کثیف کردی، اما اگر بری در شهر یه جایی را کثیف کنید این اشکال داره .

پس نکته اول اینکه کسانی که دیندار هستند ، هنوز نمی دانند چه چیز شخصیه ، چه چیز عمومیه .

حدود ۴-۵ سال پیش یکی آمد گفت فلان آقا توی گوشی اش یک همچین چیزایی داره .. پرسیدم از کجا فهمیدی .. مثلاً این آقا دزدی کرده ، گرفتنش تا اینجا درسته. گفت گوشی اش را چک کردیم ، دیدیم این چیزا رو داره . گفتم اینکه دزدی کرده ، گرفتیش درسته ، اما اینکه موبایلش را چک کردید ، الان شما مجرمید! اگر بخواهیم قاعده ی دین را اجرا کنیم ، شما الان باید ۳۵ ضربه شلاق بخورید ، چون محیط خصوصی اش را چک کردی. این دینه . گفت حالا چی کار کنم ؟ گفتم نمی دونم . این را برو از مقامات قضایی و امنیتی پرس .. طبق فتوای امام خمینی رحمه الله علیه موسس جمهوری اسلامی شما اجازه نداری در امور شخصی کسی دخالت کنی .

حالا یک سؤال ممکنه توی ذهن شما بیاد که برخی مامان و باباها موبایل بچه شون را چک می کنند ! این حکمش چیه ؟ شما تا وقتی تحت ولایت پدر و مادر هستی حدودا تا ۱۸ سالگی ، فقط ولیّ شما میتونه چک کنه ، البته پدر و مادرها هم اگر در امور شخصی بچه ها دخالت می کنند به دنبال سود او هستند ، [خیرخواه او هستند] نمی خواهند مچ گیری کنند و عذابش کنند .

البته فقط پدر و مادر ، نه خواهر و برادر و معلم ! بقیه چنین حقی ندارند .

متعبدین از این نکته غافلند ، به بهانه امر بمعروف و نهی از منکر به داخل محیط شخصی افراد ورود می کنند و این باعث میشه مردم بگن پس شما تو هیچ جا ورود نکنید چون کار غلطه ، تعمیمش می دهند که به بقیه اش چی کار داری توی خیابون هم دوست داره همین کارو بکنه....

دوم : متعبدین ما اولویت بندی نمی کنند .

مثلاً یک کار حرامه یکی بدتر . فحشا ، دروغ ، دزدی ، غیبت ، اینها همه حرامه . اما اینکه کدامش بدتره ، از کدام شروع کنیم ، این خیلی مهمه !

دیدید میگن شتر دزدها را ول کردن ، آفتابه دزدها را گرفتن . بعضی ها میگن چرا بزرگترین گناهها را ول کردید ، کوچکترینها را گرفتید ! ما میگیم اولویت بندی مهمه .

مثلاً شما می خواهید غذا بخورید ، خیلی وقته هم حمام نرفتید ، بدن شما از سر تا پا کثیفه . خب آن موقع که می خواهید غذا بخورید اول باید کجا را بشوید ؟ - دست و صورت .

اگر بخواهی بری سرت را بشوری ، بدنت را بشوری همه به شما ایراد می گیرن . برای غذا خوردن باید اول دست و صورتت را می شستی ، چون این کار را نکردی ، آن شستشو ها که درست بود ، باید هم می شستی ، عقلانی جلوه نمی کند !

در جامعه هم همین طوریه . باید با همه ی موارد حرام برخورد بشه فحشا ، دروغ ، دزدی ، غیبت و .. اما باید اولویت بندی بشه .

گاهی متعبدین اولویت بندی شون درست نیست ، از جایی شروع می کنند که توجیه عقلانی ندارد .

در شستشوهایی که در جامعه می کنیم ، باید اولویت بندی ما درست باشد ، در کلاس ، مدرسه ، فامیل ، جامعه ، با اطرافیان و .. اگر می خواهید مُنکری را نهی کنید ، اولویت بندی داشته باشید .

یک شعری مولوی دارد به این مضمون که جوانی داشته در مسجد فحشا می کرده ، یکی میاد بهش میگه خجالت بکش ، چرا اینجا فحشا می کنی و اب دهان می اندازد کف مسجد . اصحاب مسجد این فرد را که آب دهان انداخت می گیرن و بهش می گن چرا مسجد را کثیف کردی !

شروع می کنند با این برخورد می کنند . مولوی نتیجه می گیره برای برخورد با منکر باید حتما از اولویتها شروع کنیم . پس اولویت اول اینکه آن جوان را بگیرند ، بعد اگر کسی می خواهد جلوی منکر را بگیرد ، حق ندارد آب دهان بیندازد در مسجد .

در اولویت بندی شما باید چی کار کنی ؟ باید ببینی چی لازمه اول با آن برخورد کن.

سومین نکته : عدم رعایت انصاف در متعبدین

انصاف یعنی شما اگر می خواهی به یک خوبی یا بدی برخورد کنی و به آن نمره بدهی ، باید راجع به این بدی یا خوبی ، اول خودت را بگذاری جای طرف مقابل .

اگر در جای طرف مقابل خودت را بگذاری ، بعد می تونی نمره بدهی یا بهترین حکم را داشته باشی .

یادمه اوایل مدرسه رهپویان سال ۸۴ یا ۸۵ یک دختری برای من نامه نوشته بود بدون اسم که من در کلاسمون یک نفر خیلی بهم حسادت می کرد، علتش هم این بود ۱. من درس از او بهتر بود ۲. ظاهر از او بهتر بود ۳. خانواده ام از او بهتر بود ، بعد خواستم باهاش برخورد کنم ، فکر کردم چی کار کنم لَجَش را در بیارم ! فکر کردم اگر من جای او بودم حسادت می کردم یا نه ، دیدم حسادت می کردم ، بعد با خودم گفتم اگر جای او بودم ، حسادت می کردم ، دوست داشتم طرف مقابل چه برخوردی کنه !

دوست داشتم طرف بهم نزدیک بشه ، علاقه بورزه ، همین کار را کردم . الان اولاً بسیار دوستان خوبی هستیم ، چون من خودم را دقیقاً جای او قرار دادم و هر عکس العملی که می خوام نشان بدم به اون فکر می کنم .

ثانیاً یک مشکل بزرگی که من داشتم و هیچ کس خبر نداشت ، بعد از این برخورد آن مشکل من هم حل شد . خدا وقتی دید من خودم را جای کوچکترو پایین تر از خودم گذاشتم ، خدا هم خودش را جای من گذاشت و مشکل من هم حل شد .

نکته چهارم : متعبدین ما روش شناسی شون خوب نیست ، نمی دانند روشش چیه ؟

در روایت داریم اگر عصبانی شدی هیچ تصمیمی نگیر !

مثلاً الان طرف روش فشار آمده ، رگهای گردنش بر آمده شده ، دست و پاش داره می لرزه ، میگه : دیگه این کار را نمی کنم . نه ، میگن این را نگو .

وقتی عصبانی شدی ، شروع کن به زمان دادن ، [صبر کن] چون در عصبانیت بدترین تصمیم را ممکنه بگیری ، بهترین تصمیم در زمان آرامش گرفته میشه .

اولویت بندی و روش شناسی یعنی صبر کن ، زمان بده ، سکوت کن ، آرامش که برقرار شد تصمیم بگیر .

امام صادق علیه السلام می فرمایند : در هنگام عصبانیت اگر ایستادی ، بنشین ، اگر نشسته ای بلند شو ، وضو بگیر ، آب بخور ، عادی که شدی بعد تصمیم بگیر !

یکی از مشکلات اینه که روش شناسی را خوب بلد نیستیم .

روش همان چیزی است که در اولین حدس بهش می رسی ، یه کم فکر کن ببین باید چی کار کنی ؟

اولین حدس تو بهترین حدس نیست . فکر کن بهترین کاری که باید انجام بدی ، چیه ؟

اینکه در برخورد هامون دقیقاً جایی که احساساتمون تحریک میشه ، تصمیم می گیریم ، بدترین تصمیمه ، چون بهش فکر نکردیم !

روش شناسی خیلی مهمه . فرض کن شما در خانه مشکلی پیدا کردی ، یک کم زمان بده ، یک کم فکر کن ، بین بهترین راه حل برای این مشکل چیه !

وقتی شما در اثر برخورد با یک مشکل ، سریع تحریک میشی ، تصمیم می گیری ، همین کار را خراب می کنه .

متعبدین ما معمولاً این طوری اند ، از مسائلی که در جامعه وجود دارد ، مثلاً برخورد با دزدی هایی که در جامعه است ، احساسات تحریک میشه ، سریع عکس العمل نشان می دهند ، یک کم فکر کن ، اولویت بندی کن ، روش شناسی کن . زمان بده ، زمان ، مکان ، شرایط را در نظر بگیر ، بعد یه چیزی بگو .

این بخش اول بحث بود .

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید : « در جامعه وقتی می خواهید خوبیها را نشر دهید یا با منکرات مبارزه کنید ، از حاکمانتان شروع کنید . »

الناس علی دین ملوکهم : مردم به دین حاکمانشان نگاه می کنند ، پس از بالا شروع کنید ، اگر خوبی دارن نشر دهید ، الگو بشه ، اگر بدی دارن برخورد کنید .

پس در بخش اول بحث گفتیم رفتار متعبدین ما اشکال دارد ، در بخش دوم نظر دین این است که ما یک قسمت از رفتارهایمان به خودمان مربوطه ، یک قسمت از رفتارمان به خلق (مردم) و قسمتی هم به خدا بر می گردد . شما در این ۳ قسمت باید نگرش داشته باشید .

مثلاً شما در ماشین خودت هر چه که دوست داری ، می تونی گوش بدی ، فرض کن یه کسی دوست داره یه CD گوش بده که طرف داره نعره می کشه . این به خودت ربط داره ، حالا اگر صدای این بلند بود و از محیط ماشین تو بیرون بره ، به گوش کس دیگری هم برسه که این را دوست نداشته باشه ، شما در حیطة ی آزادی بغل دستی ات وارد شدی !

مثلاً در ماشین بغلی طرف داره فکر می کنه ، شما می خواهی اخبار گوش بدی ، اگر صدای رادیو را طوری بلند کنی که اعصاب ماشین بغلی را به هم بزنه ، این کار شما از نظر اجتماعی اشکال داره .

وقتی ما می گیم خطاهای اجتماعی یعنی خطایی که شما انجام می دی و داره بقیه را اذیت می کند .

یه خاطره بگم : من ۱۲ سالم بود ، مشهد تو خونمون همسایه بغلی مون نوار گذاشته بود با صدای بلند و حلال و حرامش برام فرق نداشت ، داشتم درس می خوندم ، توی خونه هم تنها بودم ، یه آبجی هم داشت می خوند ما هم از بچگی حزب الهی ، رفتیم در خونه شون زنگ زدیم گفتیم من تو خونه بغلی هستم ، این نوار شما صداس به خونه ما هم می رسه ، صداسو کم کنید که فقط خودتون گوش کنید ! طرف گفت برو بچه ، چهار دیواریِ اختیاری !

گفتم چشم . منم رفتم تو حیاط خونمون یک لاستیک برداشتم ، آتیش زدم ، دود همه محله را برداشت ، زنگ زدن آتیش نشانی ، بوی بدش هم محله را برداشته بود ، همه همسایه ها ریختن بیرون گفتن چی شده ؟ گفتم لاستیک بود ، آتیش زدم . □

گفتن غلط کردی ! گفتم رفتم در خونه همسایه بغلی مون این جور می گفتم ، این جور جواب داد ! تمام همسایه هامون که بعضی شون هم مذهبی نبودند ، به آن همسایه اعتراض کردند ، که بچه داره درس می خونه چرا صدای نوارتون را بلند کردید ؟ به من گفت چهار دیواریِ اختیاری ، منم گفتم چهار دیواریِ اختیاریِ تو خونمون لاستیک آتیش زدم ! □ □

چهار دیواریِ اختیاری یعنی چی ؟ آدم عقلاً نباید در چارچوب آزادی دیگران وارد بشه . بنابراین به این نتیجه می رسیدم ، که برخی از رفتارهای ما تظاهرات بیرونی دارد ، پس نمی تونیم بگیم چهار دیواریِ اختیاری ، این را دیگه نمیگن حریم شخصی .

شما تو موبایلت هر چی خواستی گوش بده ، اما نمی تونی در موبایلت یه چیزی پخش کنی که بغل دستی ات اذیت بشه . تمام رفتارهای دینی مون را بیایم همین جور وزن کنیم و مقیاس بذاریم ، چهار دیواریِ شما اختیاریه به این شرط که وارد حیظه عمومی نشه !

اگر می خواهید با منکرات اجتماعی برخورد کنید ، حیظه شخصی نیست چون دیگه از چارچوب چار دیواری زده بیرون ! یک مثال را بررسی کنیم : یهو تو مملکت آشوب میشه ، شهر را آتش زدند ، آسیب زدند ، تحقیق می کنند ، می بینند آشوب از اخلال گری ماهواره است ، حالا شما خودت را بگذار جای دادستان ، باید چه حکمی بدی ؟ این [اخلال گری] اثراتش آمده در خیابون ، دیگه اثراتش مال خودش نیست ! یا مثلاً نوار مبتذل مشکل اخلاقی ایجاد می کنه ، اما ماهواره مشکل سیاسی و طبق قانون مصوب مجلس شورای اسلامی جمع آوری ماهواره قانونیه .

مثلاً یک موقع دولت یک شبکه اجتماعی را فیلتر می کند ، چرا ؟ به خاطر مشکل سیاسی . اینستاگرام قطعاً کثیف ترین شبکه اجتماعی اما فیلتر نمیشه ، ولی توئیتر فیلم و عکس نداره ، امکان اینکه در مفاسد وارد شود نداره ، اما چون اثراتش سیاسیه فیلتره .

در فضای اینستاگرام ۷۰٪ مطالب غیر اخلاقیه ، این حرف خود غربیهاست ، سخنرانی چند روز پیش یکی از مسئولین جامعه شناسی آمریکا ، که طبقه بندی کرده بود که در امریکا ، اینستاگرام اوله و یوتیوب آخره .

بریم سراغ اثراتی که دین داری در فرد دارد و طبقات اجتماعی آن :

این یعنی چی ؟ مشخصاً شما می تونی آدم احساساتی باشی یا شخصاً شما آدمی عصبی باشی ، تو خونه بزنی شیشه ها را هم بشکنی . کسی حق نداره بگه چی کار کردی !

اما وقتی می رسیم به اینکه شما به عنوان یک مسلمان دیندار تظاهرات بیرونی ات ، یعنی آنچه مردم می بینند ، پای خودت نوشته نمیشه ، پای حجابت ، پای دینت نوشته میشه ، اینجا اثرات اجتماعی پیش میاد ، شما به عنوان مسلمان معتقد حق نداری عصبیتت را در جامعه نشان بدی . چرا ؟

چون اول به پوشش و دین و شناسنامه ات نگاه می کنند ، بعد به خودت نگاه می کنند .

یکی دیگه از اشکالات ما همینه ، ما فکر می کنیم دین یک مقوله ی شخصیه ، در حالی که کارهایی که ما می کنیم ، پای دین نوشته میشه ، دیگه مقوله ی شخصی نیست. یعنی اگر دبیرستان رهپویان شخصیه ، از در که می آی تو شخصیه . اما وقتی از در رفتی بیرون ، دانش آموز رهپویانی ، یک تظاهرات بیرونی داره برات .

شما توی خونه وقتی یک اخلاق بدی را نشان میدی پای تربیتت و پدر و مادرت نوشته میشه ، شخصی نیست . شما حق نداری پدر و مادرت را بدنام کنی ، بگن چقدر بی تربیته ، همش تقصیر پدرشه نتونسته روی این کار کنه !

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه رسماً دستور می دهند ، همیشه اسمش را گذاشت ریا ، تظاهر است ، تو که حلیم نیستی ، ادای افراد حلیم و بردبار را دربار . چون به پای دین نوشته میشه ، دینداران این طوری اند .

قضیه مالک اشتر را که شنیدید که داشت در بازار راه می رفت ، یک لاتی آمد ، آب دهان ریخت روی او . بعد مالک اشتر حرکت کرد ، جلوی جمع جلوی مردم رفت به طرف مسجد ، مردم به آن فرد گفتند این مالک اشتر بود ، تو اشتباهی گرفتی .

آن فرد دید ، مالک رفته مسجد داره نماز می خونه . آمد پشت سرش که عذرخواهی کنه . مالک گفت آمدم نماز خوندم که خدا تو را ببخشد .

این یعنی عظمت دادن به دین. مالک می تونست بره خونه نماز بخونه ، عمداً در مسجد آمد نماز خواند ، نه به این قصد که بگه من خوبم ، می خواست بگه دین خوبه .

مثلاً شما فرض کنید ما دم در کانون انتظامات می گذاریم که خوش آمد بگه . این فرد باید لبخند بزنه . این لبخند ریا هست ؟ نه ظاهریه . شاید او اصلاً از شما خوشش نیاد ، شما را هم می بیند حالش به هم بخوره . شاید با شما هم مشکل داشته باشه اما وقتی می ایسته دم در موظفه لبخند بزنه و به شما بگه خوش آمدید . نه برای اینکه بگید این آدم خوبیه ، برای اینکه این محیط خوبه .

یک جاهایی رفتارهای ما ، محیط ما دین ما و مرام ما و مکتب ما را معرفی می کند .

خیلی وقتها من و شما ممکنه ناراحتی در دلمون باشه ، اما همدیگرو که می بینیم ، لبخند می زنیم ، چون دستور داریم مسلمان باید خوشرو باشه . این را نمیگن نفاق و ریاکاری ، میگن تظاهر مثبت که واجب است به نفع دین داشته باشیم.

بنابراین بعضی جاها رفتارهای شخصی ما زیاد هم شخصی نیست ، نشان دهنده ی خیلی چیزهاست . مثل همان مثال که همیشه آدم بی تربیتی باشه در جمع فامیل بعد بگه من رفتارم شخصیه !

رفتار شما نشان دهنده ی تربیت پدر و مادر شماست ، آبروی آنها مناسب رفتار شماست ، لذا این تظاهرات نفاق نیست ، ریا نیست ، واجب است شما این کا را بکنید .

یک نفر ممکنه در باطن ادم بدی باشه ، نه به خاطر اینکه مردم بگن آدم خوبیه ، به خاطر اینکه منتسب به جایی ، خانواده ای ، مکتبی و دینی هست ، رفتارش و ظاهرش را اصلاح می کند و در باطن هم بنا داره خوب باشه ، نتونسته اما داره اصلاح می کنه رفتارش را .

رفتاری که نشان دهنده ی عظمت یک دینه ، یک مکتبه ، [باید این طوری باشه] اما خیلی از مؤمنین ما این طوری نیستند و رعایت نمی کنند ، مثلاً نظرشون را در یک جمله قشنگ میگوین ، اما این جمله ی قشنگ غلطه . اما می گن خدا باید بپسندد !

مثلاً در برخی فرقه های صوفیه و دراویش اصلاً به ظاهرشون نمی رسند ، وقتی بهشون میگوین چقدر شما کثیفید ، میگوین خدا باید بپسندد !

ما میگویم این خدا بپسندد ، نیست . هرکس این فرد را ببیند ، میگوین این چه مکتبیه که آدمهای کثیف را پرورش می ده ! فقط به خودت ایراد نمی گیرن ، به مکتبت ایراد می گیرن !

اسلام خیلی بر نظافت تأکید داره . نظافت یعنی چی ؟ نظافت یعنی آراستگی . آراستگی یعنی شما در ظاهر ، لباس ، در گفتارت ، رفتار ، در قدم برداشتنت آراسته باشی . قرآن برای قدم برداشتنت هم حرف می زنه : " آرام و با طمأنینه و مطمئن قدم بر می دارند . "

در نگاهت ، در شنیدارت ، در رفتار باید نظافت داشته باشی نه فقط پاکی و تمیزی ، باید شما آراستگی داشته باشید . یعنی شخصی که شما را می بیند ، بپسندد . این پسند برای کیه ؟ برای خودت هست ، اما بیشترش سهم دین می شود ، لذا وقتی شما نگاه می کنی به آدم آراسته ، بیشتر به سمت دین متمایل میشی .

در گفتار ، رفتار و شنیدار و نگاهت در همه اینها باید آراستگی داشته باشی ، این را هم بعضی از مؤمنین خیلی بهش توجه نمی کنند .

یک جاهایی لازمه شما ضمن اینکه آراستگی داری ، تقیه هم بکنی . تقیه یعنی چی ؟ یعنی بعضی از افکار را هم جووری نگی که به کسی بربخورد !

مثلاً می خواهیم در دانشگاه صحبت کنیم ، یک کاغذی می نویسند که وضعیت حجاب در دانشگاه خرابه ، یک تذکری راجع به حجاب بدید . من با خودم فکر می کنم اگر تذکر راجع به حجاب بدهم در این جمع ۵ تا ۱۰ تا خانم هستند که حجابشون خوب نیست ، من تذکر بدم اینها که اصلاح نمیشن ، فقط تحقیر میشن ! وقتی آدمها تحقیر می شوند ، اصلاح نمی شوند ، عکس العمل منفی نشان می دهند!

بعضی جاها تقیه لازمه .

بعضی چیزها که ما در باطنمان به آنها اعتقاد داریم ، بقیه اعتقاد ندارند ، پس نمی توانیم بگوییم برداشتهای شخصی من درسته!

برداشتهای شخصی از دین برای خودته . مثلاً زهد، زهد یعنی چی ؟ یک معنای باطنی دارد سر جای خودش ، یک معنای ظاهری هم دارد ، یعنی کم بخوری ، کم بیاشامی ، کم بخوابی . این معنای ظاهری است . اما زهد شخصیه! شما نمی تونی کسی را که زاهد نیست ، بهش ایراد بگیری . این شخصیه !
شما می تونی زاهدانه زندگی کنی شاید دیگری نخواد زاهد بشه .

یا مثلاً بذل . شما می تونی با حداقلها زندگی کنی ، بقیه درآمدت را بدهی نیازمندان . شما موظفی از درآمدت یک پنجم را در سال بدهی که اسمش خمسسه ، اما امام حسن مجتبی علیه السلام هر سال یک بار کل اموالش را نصف می کرد ، می داد برای فقرا . بعضی وقتها هم سالی ۲ بار ، گاهی هم سالی ۳ بار ، اگر درآمدش زیاد بود. آیا این رفتار امام را بقیه هم باید انجام بدهند ؟ نه . یک کسی دوست داره اینطوری زندگی کنه . این جزء دین نیست .

مثلاً نماز واجب جزء دین است ، پس شما همانطور که خودت می خوانی ، باید به بقیه هم توصیه کنی ، اگر هم بقیه نمی خوانند باید نهی از منکر کنی . اما تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها مستحب است ، بین دو نماز اگر بغل دستی ات ، پس از سلام نماز ول کرد و رفت ، نمی تونی بهش ایراد بگیری ، می تونی بهش توصیه کنی ، ولی ایراد نمی تونی بگیری! چون آدمها را از دین زده می کند . شما راجع به مستحبات ابداً نمی تونی نهی از منکر کنی و همچنین در مورد مکروهات .

در مورد مکروهات و مستحبات ابداً نباید امر بمعروف و نهی از منکر کنی ، مردم از دین زده می شوند! فقط راجع به واجبات میشه امر بمعروف و نهی از منکر کرد .

اگر یک نفر دوست داره دین حداقلی داشته باشه ، شما نباید بهش ایراد بگیری!

مثلاً اگر یک نفر نماز تند تند بخونه ، اجازه نداری بهش ایراد بگیری! اصلاً به کسی ربطی نداره ، اگر نماز غلط بخونه میشه بهش بگی چرا نمازت را غلط خواندی ، اما به کسی ربطی نداره که نمازش را تند بخواند یا کند . یکی از نمازهایی که من خیلی خیلی دوست دارم ، نماز صبح های کربلاست ، که ان شاء الله قسمتتون بشه ، شیخی که می خونه تند می خونه ، اتفاقاً خیلی هم به دل آدم می چسبه .

شاید یک نفر بخواهد نمازش را کند بخونه مثلاً رکوعش را طول بده یا یک نماز ۴ رکعتی را توی ۲۰ دقیقه بخونه یا یک نفر تند نماز بخونه نمی تونی بهش بگی چرا کند خوندی یا چرا تند خوندی ، چون ممکنه ورود کنی به حیطة شخصی حریم افراد که اصلاً ربطی به شما ندارد .

شاید یک نفر دوست داره مستحبات را رعایت کنه ، یا شاید نمی خواد مکروهات را رعایت کنه ، این مسائل شخصییه ! اما از این ایرادها خیلی داریم در جمع مؤمنین .

یک بار خدمت آقای قرائتی هم گفتم مسجد محوری که شما می گوئید ، خیلی عالیه . ما هم خیلی آرزو داریم که مسجدها محور بشه ، اما اول باید متولیان مسجد را توجیه کنید ، که اگر قرار است شما محور باشید ، اخلاق و رفتارتون باید از نظر دینی این طوری باشه . دائم داریم شأن هایی را وارد دین می کنیم ، که اصلاً جزء دین نیست .

به این حرف امیر المؤمنین علیه السلام دقت کنید : جایی افراط ندیدم مگر اینکه بعدش تفریط دیدم . یعنی چی ؟ یعنی هر جا جامعه ی ما از حداقلها بیشتر از مردم توقع داشتن ، مردم میرن زیر خط حداقلها .

مثلاً اگر زمانی غیرت بلاصحیح نسبت به همسر و فرزند به خرج بدهید ، شخص می افتد به قسمتی که غیر صحیح است . دختر خاله اش را دیده گفته سلام ، خندیده . میگه تو چرا با نامحرم می خندی . مطمئن باش بعداً می رود با یک نامحرم قهقهه می زنه .

ما میگی افراط نباید باشه . دقیقاً من و شما نسبت به مردم جامعه موظف به حداقلیم .

خب آقای انجوی شما این حرفها را داری می زنی ، خودت صبح تا شب روی منبر داری بالاتر از حداقل را میگی . جوابش چیه ؟

کسی که می آید پای منبر ما خودش انتخاب کرده ما که به زور نیاوردیمش . آنکه آمده خودش انتخاب کرده یعنی میدانسته من می خوام چی بگم ، خودش آمده .